Discourse of History
Print ISSN: 2383-1944
Online ISSN: 2783-235X
Homepage: https://skh.journals.miu.ac.ir

Typology of Shiite Arguments on the Prohibition of Women's Social Presence and Employment from the Constitutional Revolution to the End of the First Pahlavi Era

Mohammad Mehdi Rezapour [1], Amir Mohajer Milani [2]✉, and Abdolrahim Rezapour [3]

1.Ph.D. Candidate in Contemporary Theological Currents, Hekmat School, Imam Khomeini Higher Education Institute, Al-Mustafa International University.
E-mail: mohammad.m.rezapour@gmail.com

2- Department of Jurisprudence and Law, Women and Family Research Institute, Qom Branch, Iran. E-mail: milani@wtc.ir

3- Head of the Department of Philosophy and Theology, Center for Studies and Responding to Misconceptions, Qom Hawzah. E-mail: javad.rezapour@yahoo.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received 2024-05-04
Received in revised form 2024-06-06
Accepted 2024-06-18
Available online 15 June 2026

Keywords:
Women's Employment,
Women's Social Presence,
Creation of Women,
Qajar,
First Pahlavi.

ABSTRACT

Given the growing significance of women's issues following the Constitutional Revolution, the present study seeks to identify, through a typological analysis of the arguments advanced by Shiite religious groups during this period concerning the prohibition of women's social presence and employment, the underlying foundations and the political, religious, and social factors that informed these arguments. To this end, books and articles authored by scholars, preachers, religiously committed individuals, as well as certain intellectuals, alongside the prevailing political and social conditions of the period that bore upon the topics under discussion, were examined using a descriptive-analytical method. The findings of the research indicate that some arguments represented a reaction to the anti-religious inclinations of the ruling establishment, and due to the nature of governmental policies, such arguments gained particular prominence. Another category of arguments was grounded in extra-religious (non-religious) foundations, resting upon modern intellectual currents. In this period—unlike previous eras—strictly religious foundations were not the sole reference point; rather, a distinct type of reasoning, rooted in the prevailing popular notions (accepted customs) of the contemporary intellectual system—including a naturalistic interpretation—was also employed. A further category of arguments was based on religious foundations. In this context, reference was made to the opening of verse 33 of Sūrat al-Aḥzāb, as well as certain prophetic traditions (ḥadīths) that recommend women's remaining within the domestic sphere.

Cite this article: Rezapour, Mohammad Mahdi., Milani, Amir Mohajer., & Rezapour, Abdorrahim. (2026). Typology of Shiite Arguments on the Prohibition of Women's Social Presence and Employment from the Constitutional Revolution to the End of the First Pahlavi Era). *Discourse of History*, *20* (53), 153-168. https://doi.org/10.22034/skh.2024.18544.1516

© The Author(s). Publisher: Al-Mustafa International University.
DOI: https://doi.org/10.22034/skh.2024.18544.1516

سخن تاریخ
شاپا چاپی: ۱۹۴۴-۲۳۸۳
شاپا الکترونیکی: ۲۳۵X-۲۷۸۳
Homepage: https://skh.journals.miu.ac.ir

گونه‌شناسی ادله‌ی شیعیان از مشروطه تا پایان پهلوی اول بر منع حضور اجتماعی و اشتغال زنان[1]

محمد مهدی رضاپور [۱]، **امیر مهاجر میلانی** [۲]✉، و **عبدالرحیم رضاپور** [۳]

۱. دانشجوی دکتری جریان‌های کلامی معاصر ،مدرسه حکمت، مجتمع آموزش‌عالی امام خمینی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. رایانامه: mohammad.m.rezapour@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، گروه فقه و حقوق، پژوهش‌گاه زن و خانواده، قم، ایران. رایانامه: milani@wtc.ir

۳. گروه فلسفه و کلام مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه علمیه قم، قم، ایران. رایانامه: javad.rezapour@yahoo.com

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
علمی – پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۵
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۱۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۹
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۲۵

کلیدواژه‌ها:
اشتغال زنان،
حضور اجتماعی زنان،
خلقت زنان،
قاجار،
پهلوی اول.

چکیده

با توجه به اهمیت یافتن مسایل زنان پس از انقلاب مشروطه، پژوهش حاضر می‌کوشد تا با گونه‌شناسی ادله‌ی گروه‌های مذهبی شیعه در این دوره بر منع حضور اجتماعی و اشتغال زنان مشخص کند که این ادله بر چه مبانی و عوامل سیاسی، دینی و اجتماعی بنا شده‌اند. بدین منظور کتاب‌ها و مقاله‌های عالمان، مبلغان، متدینان، برخی روشن‌فکران و شرایط سیاسی و اجتماعی آن دوره که دخیل در موضوعات مورد بحث بوده‌اند، به‌صورت توصیفی – تحلیلی مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش گویای این نکته است، که برخی استدلال‌ها نوعی عکس‌العمل به تمایل‌های ضد دینی حاکمیت بوده و به‌لحاظ نوع سیاست‌های حکومت، این نوع استدلال‌ها پررنگ گشته است. گونه دیگر استدلال‌ها بر پایه‌ی مبانی برون دینی است که بر اندیشه‌های جدید استوار است. در این دوره بر خلاف دوره‌های قبل تنها مبانی دینی مورد استناد نبوده و علاوه بر آن، نوع متفاوتی از استدلال که ریشه در مشهورات نظام اندیشه در آن دوره دارد از جمله خوانش طبیعت‌گرایانه به کار گرفته شده است. گونه دیگر ادله بر پایه‌ی مبانی دینی است. در این بخش به ابتدای آیه ۳۳ سوره احزاب و هم‌چنین برخی روایات که توصیه به ماندن زن در خانه می‌کنند، استناد شده است.

استناد: رضاپور، محمد مهدی ؛ میلانی ، امیر مهاجر؛ و رضاپور، عبدالرحیم (۱۴۰۵). گونه‌شناسی ادله‌ی شیعیان از مشروطه تا پایان پهلوی اول بر منع حضور اجتماعی و اشتغال زنان. *سخن تاریخ*، ۲۰ (۵۳)، ۱۶۸-۱۵۳.
https://doi.org/10.22034/skh.2024.18544.1516

ناشر: جامعهٔ المصطفی (ص) العالمیه.
© نویسندگان.

۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری محمد مهدی رضاپور است، که با حمایت جامعه المصطفی العالمیه انجام شد.

مقدمه

مطالبات جنسیتی با پیش‌رفت موج تجددخواهی در ایران، کـه در نیمـه‌ی دوم قـرن هجـدهم میلادی واقع شد، تبدیل به یکی از مهم‌ترین موضوعات جدال جریـان دینـی و تجـددخواه گردیـد. حضور اجتماعی و اشتغال زنان در میان انبوه مسایل جدیـد بـه یکـی از حـادترین مواضـع اخـتلاف تبدیل شد. بررسی مواجهه اندیشه‌ی دینـی پـس از مشـروطه بـا ایـن جریـان، گویـای وجـود طیـف متنـوعی از اسـتدلال در میـان آن‌هـا اسـت. مسـاله‌ی پـژوهش حاضـر ایـن اسـت، کـه ادلـه‌ی جریان‌های فکری شیعه پس از انقلاب مشروطه (۱۲۸۴ ش) تا پایان پهلـوی اول (۱۳۲۰ ش) بـر منع حضور اجتماعی زنان بر چه مبانی درون دینی و برون‌دینی استوار بوده است.

مقصود از اشتغال در این پژوهش، معنای جدید ایـن اصـطلاح در دوران مـدرن اسـت. شـکل جدیـد اشـتغال را دارای ویژگی‌هـایی از جملـه انجـام فعالیـت شـغلی در زمـان مشـخص و مـنظم، دریافـت مـزد در قبـال سـاعات کـار، وجـود فاصـله میـان محـل کـار و محـل زنـدگی دانسـته‌اند (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۲۳).

تمرکز این پژوهش بر گروه‌های فکری از شیعیان است، که پیوند خود با تشیع را برقرار دانسـته و خود را در مجموعه‌ی تشیع تعریف می‌کننـد. البتـه بیش‌تـر تمرکـز بـر جامعـه‌ی سـنتی بـوده کـه اکثریت جامعه را نیز، با خود همراه داشـتند. در برخـی بخش‌هـا بـرای این‌کـه فضـای عمـومی آن دوران ترسیم شود، از نظرات برخی روشن‌فکران نیز، استفاده شده است.

انقلاب مشروطه‌ی ایران در سال ۱۲۸۴ ش، را می‌توان آغاز تحولاتِ بنیـادین میـان عالمـان، شخصیت‌ها و مردم مذهبی دانست. گذر از تفکر پادشـاهی مطلـق بـه مشـروطه و نقـش دادن بـه مردم در حکومت و تصمیم‌گیری‌های کلان، تغییر بسیار مهم و پیچیده‌ای بـود. اهمیـت یـافتن دو چندانِ مفاهیم مهمی مانند برابری و آزادی نیاز به اجتهاد تازه‌ای در حیطـه‌ی نظـام اندیشـه دینـی داشت؛ اما این تغییر و تحولات فکری در میان عالمان دین و جریان‌های مذهبی، حداقل در کوتاه مدت، لزوماً به‌معنای پذیرش تغییر در موضوع زنان نبود. بررسـی مسـاله‌ی زنـان پـس از مشـروطه یک نکته‌ی بسیار مهم را به دست می‌دهد؛ دوران مشروطه با این‌که نوعی از آزاداندیشی و بازیـابی فکری در مسایل سیاسی برای عموم عالمـان و متفکـران شـیعه بـوده اسـت؛ امـا همـین افـراد بـا موضوع زنان مانند مسایل سیاسی برخورد نکردند. کتابی بـا نـام «رسـاله شـریفه لـزوم حجـاب» در سال ۱۲۹۳ ش، تالیف شده است. نکته‌ی جالب پیرامـون نویسـندگان آن اسـت کـه نـامی از خـود نبرده‌اند و تنها با این عنوان «چند نفر از مسلمانان مشروطه‌خواه» از خـود یـاد کرده‌انـد (جعفریـان، ۱۴۲۸، (الف)، ج۱: ۱۰۷). این افراد با وجود تفکرات جدیدی که در عالم سیاست داشـتند؛ امـا در موضوع جنسیت کاملا سنتی برخورد کرده و اعتقاد خود به خانه‌نشینی زنان را قابل دفـاع می‌داننـد

(جمعی از محققان، ۱۴۲۸ق، ج۱: ۱۱۹)

منع بر حضور اجتماعی زنان منحصر در گروه‌های مذهبی نبود. آن‌چه حضور اجتماعی زنان در آن دوره زمانی با خود داشت سبب می‌گردید جو عمومی مردم نیز، مخالف با حضور اجتماعی و اشتغال آنان باشد. نقل شده است، که در سال یکم یا دوم مشروطه در تبریز میرزا حسین خان عدالت در روزنامه کوچکی با زبان ترکی به‌نام «صحبت» مطلبی با عنوان «کج قابرقا» (دنده کج) نوشت و در آن گفته بود؛ که ما باید زن‌های خود را در زندگانی همراه گردانیده به انجمن‌ها و نشست‌ها بیاوریم. از همین چند جمله آشوبی برپا گردید و انجمن ایالتی ناچار شد، سید حسین خان را از تبریز بیرون کند (کسروی، ۱۳۲۳: ۵).

۱. پیشینه‌ی بحث

پژوهش‌های مختلفی پیرامون موضوع زن در دوره‌ی قاجار و پهلوی اول انجام شده است. مهدی مهریزی تفکر این دوره را با تعبیر رویکرد سنتی یاد می‌کند و آن را به مانند قبل از آن دانسته است. وی معتقد است: این رویکرد در حدود دهه‌ی چهل شمسی تغییر یافت (مهریزی، ۱۳۹۴: ۵۷). محمد تقی سبحانی در فصل اول کتاب «الگوی جامع شخصیت زن مسلمان» به سه رویکرد تئوریک می‌پردازد: سنت‌گرایی اسلامی، تجدد گرایی اسلامی و رویکرد تمدن گرایی اسلامی که نویسنده طراحی الگوی شخصیت زن مسلمان را تنها بر اساس دیدگاه سوم قابل دفاع و پیگیری می‌داند (سبحانی، ۱۳۸۲: ۱۱). در این کتاب سنت‌گرایان اسلامی دسته‌ای از عالمان و متدینان مسلمان در دو سده‌ی اخیر دانسته شده‌اند، که با غیرت‌ورزی و پافشاری بر معارف و احکام دینی تنها به مقابله و طرد و نفی فرهنگ و تمدن غرب پرداخته‌اند (همان: ۱۸). در این کتاب تجددگرایی واکنشی از سوی برخی تحصیل‌کرده‌های مسلمان در مواجهه با حضور فرهنگ غرب در جوامع اسلامی دانسته شده است (همان: ۲۳). کتاب دیگر با عنوان «اشتغال زنان» به‌کوشش لیلا سادات زعفرانچی است، که به سفارش مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری بوده و مجموعه‌ای از مقالات و مصاحبه‌ها است. علاوه بر کتاب‌های ذکر شده، مقالاتی نیز، به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. مقاله «نقد پارادایمی رویکرد سنتی به مسؤولیت اجتماعی زن مسلمان» نوشته‌ی علی الهی خراسانی است، که به نقد رویکرد سنتی پرداخته است.

موضوع پژوهش حاضر که رویکرد جریان‌های مذهبی شیعه پس از مشروطه تا پایان پهلوی اول به موضوع حضور اجتماعی و اشتغال زنان است، کم‌تر مورد بررسی قرار گرفته و واکاوی و گونه‌شناسی نوع استدلال بر منع اشتغال زنان در آن دوره زمانی ایده‌ای جدید به حساب می‌آید. در این پژوهش استدلال‌ها بر منع حضور اجتماعی زنان در سه بخش تفکیک شده‌اند:

استدلال‌هایی متکی بر عوامل دینی - سیاسی، استدلال‌هایی متکی بر عوامل برون‌دینی و استدلال‌هایی متکی بر علل درون‌دینی.

۲. استدلال بر منع حضور اجتماعی زنان

جامعه مذهبی تلاش داشت تا با استفاده از گونه‌های متفاوت استدلال، طیف‌های گسترده‌تری از مخاطبان را به خود جذب کند. برخی از این استدلال‌ها به امور دینی و برخی دیگر به عوامل برون‌دینی بازگشت داشت.

۱.۲. استدلال‌هایی متکی بر عوامل دینی - سیاسی

بخش مهم و قابل توجهی از مخالفت با حضور اجتماعی و اشتغال زنان، تنافی آن با حجاب مرسوم آن زمان بوده است، که شامل پوشش صورت و دست‌ها نیز می‌شده است. در طرف مقابل آن‌چه از اشتغال زنان توسط حکومت، روشن‌فکران و افراد بی‌دین تبلیغ می‌شد، منافات کامل با حجاب داشت و بسیار سخت بود که بتوان با حفظ حجاب، شغل‌های اداری و غیر اداری داشت. حجاب علاوه بر پشتوانه دینی که داشت در آن دوره زمانی تبدیل به موضوع سیاسی نیز، گشت و اصرار حکومت بر از بین بردن آن، جامعه مذهبی را به اخذ مواضع سخت مجبور کرد. یکی از این مواضع مخالفت با حضور اجتماعی و اشتغال زنان بود.

پیش از دوره‌ی پهلوی اول (۱۳۰۴ش - ۱۳۲۰ ش) و به‌خصوص پس از افزایش قدرت اجتماعی متجددان، کشمکش‌هایی در موضوع زنان وجود داشت و هر دو طرف تلاش‌هایی در تثبیت دیدگاه خود داشتند. این کشمکش‌ها تا سال‌های ابتدایی قدرت رضاشاه پهلوی (حکومت: ۱۳۰۴ش - ۱۳۲۰ ش) ادامه داشت. تا این‌که پس از وقایعی رضاشاه در سال ۱۳۱۴ ش، به قانون کشف حجاب مصمم گردید. با گذشت زمان و شکل‌گیری رویکرد و سیاست‌های پهلوی اول، گروه‌های تجددخواه قدرت بیش‌تر یافته و با حمایت حکومت توانستند فعالیت‌های خود را گسترش دهند. سیاست تجدد طلبی در دوره زمام‌داری رضاشاه در زمینه کشف حجاب ظاهرا با هدف کشاندن زنان به عرصه فعالیت‌های اجتماعی صورت پذیرفت (صلاح، ۱۳۸۴: ۸۹). البته اکثریت مردم، موافقت چندانی با مساله‌ی کشف حجاب نداشتند؛ محمد رضا پهلوی (حکومت: ۱۳۲۰ش - ۱۳۵۷ ش) حرکت پدر خود را در تقابل با «اکثریت مردم از جمله بسیاری از روحانیون بزرگ و رجال کشور» دانسته است (پهلوی، ۱۳۳۹: ۳۱۶). در نهایت پس از واقعه‌ی کشف حجاب در سال ۱۳۱۴ش، حضور اجتماعی زنان با بی‌حجابی تعریف شده بود و به‌نوعی هدف از کشف حجاب چنین بود که زنان بدون حجاب اسلامی در اجتماع حضور یابند. گروه‌ها و

جریان‌های مذهبی هیچ توانی برای مقاومت نداشتند. تلگراف شیخ عبدالکریم حایری (درگذشت: ۱۳۱۵ ش) بنیان‌گذار حوزه علمیه قم در مساله‌ی کشف حجاب که با اصرار دیگران به رضا شاه فرستاده شده بود، با تندی پاسخ داده شد و هیچ تاثیر عملی نداشت (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۳۱). علی اصغر حکمت (درگذشت: ۱۳۵۹ ش) وزیر معارف وقت پس از رسمی شدن کشف حجاب، نزد رضا شاه می‌رود و در جواب به سوال شاه در مورد اوضاع، دو مورد را متذکر می‌شود. یکی افراط در رقص است؛ «این چند شب در کافه‌ها و دانسینگ‌های تهران رفتار زن‌های رقاصه نیمه عریان خیلی زیاد و بیش از حد زشت و زننده است.» او اشکال دومی را نیز، مطرح می‌کند که «این روزها مأموران پلیس و بعضی حکام بزور و اجبار در کوچه و بازار در کشف حجاب سعی می‌کنند و برای زن‌ها خیلی مزاحمت فراهم می‌کنند. این کار تولید عکس‌العمل خواهد کرد» (حکمت، ۲۵۳۵: ۱۰۱). او در ادامه، پیگیری شاه برای موضوع اول را ذکر می‌کند؛ اما موضوع دوم ظاهرا موافقت شاه را جلب نمی‌کند (همان: ۱۰۱) و اوضاع بر همان سیاق سابق پیش می‌رود.

حضور اجتماعی و اشتغال زنان، به‌خصوص در نیمه‌ی دوم حکومت پهلوی اول برای هر دو طرفِ نزاع موضوع اصلی نبود، بلکه به مبنایی پیرامون آزادی زنان و حجاب برگشت می‌کرد. به بیان دیگر، بحث آزادی و رفع حجاب زنان حداقل در آن دوره، اهمیتی دو چندان نسبت به اشتغال زنان داشت. پهلوی اول از آن‌جا که طرف‌دار بی‌حجابی بود به حضور اجتماعی و اشتغال زنان اهمیت می‌داد، هرچند در ظاهر عوامل اقتصادی را نیز مورد تاکید قرار می‌داد. در مقابل، افرادی که به حجاب معتقد بودند و آزادی به‌معنای مورد خواست شاه را هم‌ردیف بی‌عفتی و هوس‌بازی‌ها می‌دانستند، با حضور اجتماعی و اشتغال زنان مخالفت می‌کردند. برخی از انتقادها نیز، به این بازمی‌گشت که حکومت برای اشتغال مردان نتوانست موفق عمل کند با این حال تمام تلاش خود را برای اشتغال زنان انجام می‌دهد.

با آن‌چه گفته شد، معلوم می‌گردد، در دوره‌ی رضا شاه عملا امکان اشتغال زنان با حجاب متعارف ممکن نبوده است. بنابر این، باید بخشی از ممنوعیت بر حضور اجتماعی و اشتغال زنان توسط جریان‌های شیعه را به‌لحاظ شرایطی دانست، که در دوره‌ی پهلوی اول برقرار شده بود. حتی پس از سال ۱۳۲۰ ش، که حکومت پهلوی اول پایان یافت، شرایط کشور به‌گونه‌ای نبود، که تصور شود با رعایت حجاب می‌توان فعالیت گسترده اجتماعی داشت.

نکته دیگری که در این‌جا حایز اهمیت است، تعریفی است که برای حجاب نزد جامعه مذهبی وجود داشت و گروه‌های مذهبی بدان پای‌بند بودند. این تعریف سازگاری چندانی با حضور اجتماعی نداشت. این تعریفِ حجاب لزوم پوشش صورت و دست را در بر می‌گرفت. پوشش صورت و کفین اگرچه به‌لحاظ فقهی چندان پشتوانه‌ای نداشت و بسیاری از فقیهان پوشش آن را

لازم نمی‌دانستند با این حال رویکرد عمومی اجتماع و حتی برخی عالمان و مبلغان بر لزوم پوشش صورت و کفین برقرار بوده است (خالصی‌زاده، ۱۴۲۸ق: ۷۳۴). آیت‌الله سید عبدالله بلادی بوشهری (درگذشت: ۱۳۳۱ ش) در کتاب سدول الجلباب فی وجوب الحجاب که در سال ۱۲۹۱ش، تالیف شده بود، پوشش صورت و کفین را واجب شمرده بود (بلادی، ۱۴۲۸، ج۱: ۸۷). سید اسدالله خرقانی (درگذشت: ۱۳۱۵ ش) از عالمان دوره‌ی مشروطه که سابقه‌ی نمایندگی مجلس را نیز در کارنامه دارد در رساله‌ی ردّ کشف حجاب (تالیف در ۱۲۹۵ و ۱۲۹۶ ش) به ارتباط حجاب و اشتغال پرداخته است. او از قول موافقان چنین نقل می‌کند «مادامی که حجاب زن‌ها هست، ما صورت تعالی و تکامل را نخواهیم دید» (خرقانی، ۱۴۲۸، ج۱: ۱۵۲). وی این مطلب را رد می‌کند و در ذیل آن می‌گوید: «آیا هیچ ذی شعوری می‌تواند بگوید که کشف صورت زن‌ها باعث استخراج معدن یا ایجاد کارخانه یا باعث نشر قانون مساوات حقوق و عدالت می‌شود؟ بر حسب منطق بشریت، باید گوینده پس از مطالعه خجالت بکشد» (همان).

علی اصغر لاری (درگذشت: ۱۳۳۳ ش) که از شاگردان آیات عظام غروی اصفهانی مشهور به کمپانی و حاج سید ابوالحسن اصفهانی بوده و از آنان اجازه‌ی اجتهاد دریافت داشته از دیگر عالمانی است، که به این موضوع اشاره کرده است. او در کتاب حجاب و پرده‌داری شغل‌هایی که زنان برای آن آفریده شده‌اند. هم‌چون خانه‌داری و امثال آن را غیر منافی با حجاب می‌داند «و با چشم خود دیده که خانواده‌های بسیار بزرگ در اسلام با همان زنان محجّبه به خوبی تشکیل یافته و نسل‌های پاك برجسته از آن‌ها تحویل جامعه گشته» است (لاری، ۱۴۲۸، ج۱: ۶۴۶)؛ اما وی آن‌چه در ادبیات مدرن اشتغال زنان نامیده شده و «مربوط به امور کشوری و لشکری و پرورش دادن آن‌ها است، برای تصدّی شغل وزارت و وکالت و تقبّل منصب قضا و زمام‌داری سایر امور دنیا» را منافی با حجاب دانسته است (همان).

۲.۲ استدلال‌هایی متکی بر علل برون دینی

جریان‌های مذهبی به فراخور اعتقادات شان، اهمیت بسیاری برای قرآن کریم و احادیث و روایات پیشوایان معصوم(ع) قایل بوده و هستند. دایره‌ی بسیاری از بایدها و نبایدها به قرآن و حدیث برگشت کرده و استدلال‌ها بر محور این دو رکن حرکت می‌کردند. در دوره‌ی پس از مشروطه با این‌که هنوز استدلال به قرآن و حدیث برای بسیاری اهمیت داشت؛ اما چیزی که نسل جدید خواهان آن بود، نه استدلال به آیه و حدیث بلکه تفهیم عقلانی و علت لزوم و وجوب احکام شرعی بود (جعفریان، ۱۳۸۳، (ب): ۳۷). همین نگاه و نیاز جدید سبب گردید نوع استدلال در میان جامعه مذهبی به یک مرحله جدید دست یابد و از استدلال‌های صرفا دینی که

متکی بر متون دینی بودند به استدلال‌های اجتماعی و سیاسی نیز گرایش پیدا کنند (زائری، ۱۳۹۳: ۱۷۷). این استدلال‌های جدید می‌توانست مقبولیت بیشتری نزد عموم مردم پیدا کند.

۱/۲/۲. خوانش طبیعت‌گرایانه

یکی از خوانش‌های عمومی، در جامعه دین‌داران و برخی روشن‌فکران، این بود، که کار در خانه و رسیدگی به امورات خانواده را به‌دلایل طبیعت‌گرایانه مسؤولیت و وظیفه‌ی اصلی زنان می‌دانستند. این افراد حتی در مواقعی به کلام دانشمندان غیر مسلمان و حتی بی‌دین نیز، استناد می‌کردند. غرب و دانشمندان غربی به‌دلیل این‌که قبله‌گاه اهل‌تجدد در ایران حساب می‌شدند، چندان مورد اقبال جامعه مذهبی نبودند؛ اما در عین حال همین دانشمندان اگر حرف موافقی با رویکرد آنان می‌زدند یا چنین کلامی از زبان آن‌ها نقل شده بود، می‌توانستند حجیت مضاعفی به جامعه مذهبی بدهند. شیخ محمود حلبی در یک سخنرانی که در رادیو مشهد بوده و بعد در کتاب حجاب در اسلام در دهه‌ی بیست شمسی، چاپ شد، در منع زنان از اشتغال و لزوم توجه کامل به خانواده به کلام دانشمندی به تعبیر خودش «اژوست کونت» استناد کرده است (حلبی، ۱۴۲۸ق، ج۲: ۱۱۰۶).

بخش مهمی از جامعه مذهبی در مخالفت با حضور اجتماعی زنان به استدلال‌هایی پیرامون طبیعت زن استناد می‌کردند. علی اصغر لاری (درگذشت: ۱۳۳۳ ش) در کتاب «حجاب و پرده‌داری» احساسات و عواطف زن و به ویژه رقّت قلب او را بیش‌تر و قوی‌تر دانسته است. او هم‌چنین هوا و هوس و تمایلات نفسانی زنان را زیادتر و برای تحریک مهیاتر خوانده است. از نگاه لاری، این خصوصیات برای زنان مناسب با «یک کارهای کم‌تعمّق سطحی و مربوط به احساسات لطف‌آمیز و عواطف صوری ظاهری است». مثال لاری برای این کارهای کم‌تعمق و سطحی مواردی مانند خانه‌داری، فرزندپروری، تشکیل خانواده، حفظ نسل و سایر کارهای مربوط به تسکین خاطر مردان و اصلاح امور داخلی آنان است (لاری، پیشین، ج۱: ۶۴۶).

غلام‌حسین اصفهانی حایری (درگذشت: ۱۳۱۸ ش) در کتاب «فلسفة الحجاب فی وجوب النقاب» که در سال ۱۳۰۷ش، تالیف شده است، خدمت و شغل را به دو بخش تقسیم می‌کند: یکی در امورات دولتی و حکومتی و دیگری خدمت در خانه و امورات مربوط به آن. او شغل در خانه را «جدّا مستلزم ذلّت» دانسته است؛ اما معتقد است: به زنان ازدواج کرده خادم نمی‌گویند به همین جهت اگر کارهای خانه را انجام دهند، عنوان خادم بودن نیز، بر آن‌ها نمی‌آید. در نتیجه مذمتی برای آنان نیست و نباید از این کار خودداری نمایند. او سپس در یک کلام نسبتا طولانی، مسؤولیت و وظیفه‌ی اصلی زنان را حمل (بارداری) و ارضاع (شیر دادن) دانسته است و وجود

«پستان و شیر» را شاهد بر همین امر می‌داند. او پس از یک اشکال و جواب که در مورد شیر دادن به فرزند به غیر پستان بوده، می‌گوید: «پس وقتی که حمل و ارضاع و تربیت طفل، محوّل به نسوان باشد با وجود این‌ها چگونه می‌توانند، از عهده‌ی کسب و تجارت برآیند» (اصفهانی، ۱۴۲۸، ج۱: ۴۷۵).

محسن فقیه شیرازی (درگذشت: ۱۳۲۴ ش)، در یکی از مقالات نشریه‌ی الاسلام (منتشر شده در سال‌های ۱۳۰۵ - ۱۳۰۷ ش) با نام «پاسخ پرسش‌های چهارده‌گانه‌ی حبل المتین در مسأله زن و حجاب» به این تقسیم وظایف اشاره کرده است (فقیه، ۱۴۲۸، ج۱: ۲۸۰). او معتقد بود: «مقرّرات اسلامیه، کلیه‌ی وسایل معاشیه را از قبیل تجارت، صناعت، زراعت، سیاست مدن، انتظامات مملکتی را به نوع رجال» واگذار کرده است. او برای این حیطه‌بندی چنین دلیل می‌آورد که نوع خلقتی که در مورد مردان وجود دارد، موجب می‌گردد که آن‌ها عهده‌دار نفقه و لوازم زندگانی زن‌ها باشند (همان). وی وظیفه و مسؤولیت زنان را انجام امور خانه و تربیت اطفال می‌داند (همان). وی معتقد است؛ که هر یک از زن و مرد بر اساس توانایی خود به مسؤولیت و وظیفه‌ای رسیده است «و هرکس که پرده‌ی عناد و لجاج و عصبیت را از پیش چشم عقل خود بردارد و به دقّت در خلق و خلق هریک از این دو صنف تامل کند، تصدیق خواهد کرد که وظیفه و مسؤولیت هر دو همان است که دین اسلام مقرّر داشته است» (همان).

شیخ احمد شاهرودی (درگذشت: ۱۳۱۰ ش) در کتاب «مدینة الاسلام روح التمدن» که در سال ۱۳۰۷ ش، تالیف شده است نیز، در همین راستا استدلال کرده است: «اگر زن‌ها بخواهند استکمالات و ارتقای تحصیل آن مقامات به آن حدّ و مراتب نمایند، ... در خاتمه باید مردان شغل زنان را اختیار کنند، تا زنان به وظایف و مسؤولیت‌های مردان قیام نمایند؛ پس تا مرد زن نشود، در این رتبه زن مرد نخواهد شد (شاهرودی، ۱۴۲۸، ج۱: ۵۸۱).

این نگاه تقسیم وظایف بر اساس طبیعت و خلقت تنها، در جامعه‌ی مذهبی وجود نداشته است و در استدلال افرادی که از طرف‌داران و مروجان کشف حجاب بوده‌اند و با این حال اولویت را به کار در خانه داده‌اند نیز، صدق می‌کند. صدیقه دولت‌آبادی (درگذشت: ۱۳۴۰ ش) که می‌توان او را از سردم‌داران مخالفت با جامعه‌ی مذهبی در موضوع زنان دانست، در مقابل کسانی که از او می‌پرسیدند؛ «بیکار در خانه چه کنیم؟» چنین پاسخ می‌دهد: «اول کار مهم زن، شوهرداری است ... دوم کار مهم زن، زاییدن است؛ اما زاییدن دنباله دارد و الا تنها، بچه آوردن هنر نیست. زنان باید بزایند، پرورش دهند، تربیت کنند و رشد جسمانی و عقلانی زاییده خود را به حد کمال برسانند (صنعتی، ۱۳۹۵: ۲۸۱). او به مشکلات اشتغال زنان واقف بوده و می‌نویسد: «این خانمی که خسته و مانده از اداره می‌رسد و کلاه را یک طرف پرت می‌کند و پالتو را طرف

دیگر و از خستگی عصبانی است و اگر بچه نزدیکش می‌آید فحش می‌دهد. اگر شوهر بی‌چاره می‌گوید: خانم شما را چه می‌شود؟ خانم به باد ملامت و سرزنش می‌گیرد و ملامت می‌کند. بهتر است کار نکند». البته او اشتغال زن را به شرط وجود شرایطی مانند فراغت در خانه، خوب می‌داند: «البته مقتضی است که خانم‌ها کار بکنند؛ اما در خانه و هر زنی که بخواهد برود کارمند اداری بشود. برای همیشه باید با وظایف و مسؤولیت‌های اصلی و اولیه زن وداع کند ... کار کردن زن در اداره به صرفه جامعه تمام نمی‌شود. بهترین راه کمک به عایله صرفه جویی و اقتصاد خانوادگی است» (همان: ۲۸۵).

مهدی قلی هدایت (درگذشت: ۱۳۳۴ش)، یکی از رجال صاحب نام در دوره‌ی قاجار و پهلوی، در کتاب خاطرات و خطرات به همین مشکل پرداخته است: «ازدحام زن در ادارات بر ضرر خانواده است مگر زن‌های جا افتاده در بهداری و فرهنگ که مقتضی حفظ عفت و تجزیه مدارس دختر و پسر است. مردها از بیکاری فریاد دارند و زن‌ها هم وظیفه و مسؤولیت خود را از دست داده پا در کفش مردها می‌کنند یکی از جنگ‌های آتیه جنگ زن و مرد خواهد بود. زن بهتر است به وظیفه و مسؤولیت خود بپردازد. حرص به‌صدارت، زن‌ها را در خارجه به کار کشید ما آن حاجت را نداریم صرف تقلید است با فکر شیطنت» (هدایت، ۱۳۲۹: ۶۲۴).

سلیم ایزدی (درگذشت: ۱۳۱۸ش) نماینده‌ی مجلس شورای ملی که از طرف‌داران رضا شاه و مساله‌ی کشف حجاب بوده و اشعاری را نیز سروده است، تاکید بر عفّت زنان کرده و خانه‌داری را هم‌چنان شغل اصلی و اولیه‌ی آنان، بلکه تنها شغل مطلوب آنان می‌داند. او این مطلب را در قالب شعر چنین سروده است:

فن تو بود خانه‌داری و بس *** نخواهد از این بیش کار از تو کس

زنان را اگر جز به‌کار سرای *** شوی بر امور دگر رهنمای

نظام جهان را پریشان کنی *** خلاف رضای جهان بان کنی (جعفریان، پیشین، (الف)، ج۲: ۱۳۲۰ - ۱۳۲۱).

کسروی از نویسنده‌های مشهور عصر پهلوی همین رویکرد را اتخاذ کرده است: «خدا زنان را برای کارهایی آفریده و مردان را برای کارهایی. زنان برای خانه آراستن و بچه پروردن و دوختن و پختن و این‌گونه کارهایند. نمایندگی در پارلمان و داوری در دادگاه و وزیری و فرماندهی سپاه و این‌گونه چیزها کار زن‌ها نیست» (کسروی، پیشین: ۱۸).

این تفکر در میان افراد غیرمذهبی نشان‌گر این است، که جریان‌های مذهبی حداقل تا ابتدای دوره‌ی پهلوی نظراتی را همراه با جو عمومی جامعه داشته‌اند به نحوی که برخی روشن‌فکران نیز، در برخی موضوعات با آنان همراه بوده‌اند. بنابر این، می‌توان مسیر گروه‌های

مذهبی را به نوعی همراه با نظم و نِظام اجتماعی آن دوره دانست که گروه‌های مختلف با رویکردهای متفاوت از آن پیروی کرده‌اند. این سخنان هم‌چنین نشان‌گر اهمیت خانواده در میان همه‌ی جریان‌های جامعه بوده است. این دیدگاه آسیب زدن اشتغال زنان به خانواده و لزوم جمع میان آن‌ها تقریبا در همه‌ی دوران‌ها وجود دارد، که البته نوع جمع کردن میان آن‌ها در دوران‌های مختلف متفاوت بوده است.

۲.۲.۲. فرودستی زنان

وجود تفکر بی‌ارزش یا کم ارزش بودن زنان که بیان‌گر هم‌سطح نبودن زنان و مردان است، تفکر رایجی میان قشرهای مختلف مردم بود. در بسیاری از نوشته‌های آن زمان «خداوند عالَم، جنس رجال و مردان را اشرف و اعقل از جنس نسا و زنان خلق فرمود» (محلاتی، ۱۳۹۹: ۱۶۵). هر کدام از گروه‌های مذهبی و غیرمذهبی با توجه به زمینه‌های فکری خود برای این نظر پشتوانه‌ی فکری و ذهنی درست می‌کردند. جامعه‌ی مذهبی در تبعیت از این فهم سنتیِ شایع، استثا، نبوده و در لفافه و گاه با صراحت به این امر استناد می‌کردند. علی اصغر لاری در کتاب «حجاب و پرده‌داری» بسیار صریح به این مطلب اذعان کرده است و خطاب به مخالفان می‌گوید: «ترقّیات و تعلیماتی» که برای زنان در نظر گرفته‌اید ... موافق با فهم و فکر و مغز و قوای جسمی طبیعی زنان نیست و از حدود استعداد ذاتی آن‌ها خارج است» (لاری، پیشین، ج۱: ۶۴۶). لاری اعتقاد خود را مستند به گفتار دانشمندان هم‌عصر خود دانسته و علم آن‌روز را گواه بر این مطلب گرفته که «مغز زن حجما از مغز مرد کوچک‌تر و قوای جسمی و فکری او به مراتب ضعیف‌تر و حوصله و صبر و خویشتن‌داری او بسیار کم‌تر از مردان است» (همان). لاری در نهایت، به امور نقلی نیز، استناد کرده و آن‌ها را شاهدی بر گفتار خود می‌آورد. او معتقد است: به لحاظ این‌که دیه و خون بهای زنان بر اساس قوانین اسلام نصف خون‌بهای مردان است، ارزش روحی و جسمی زنان نیز نوعاً نصف مردان است (همان).

محمد صادق ارومی فخر الاسلام در کتاب رساله وجوب حجاب که چند سال پس از مشروطه تالیف کرد، چنین آورده است، که آدم فریب شیطان را نخورد، بلکه زن فریب خورده و در تقصیر گرفتار شد؛ پس معلوم می‌شود که زن زود فریب می‌خورد و گرفتار تقصیر می‌شود؛ پس مطلوب، حجاب و نقاب و سکونت در خانه است نه زینت و کشف و مخالطه با مرد (ارومی، ۱۴۲۸، ج۱: ۶۹).

۳٫۲. استدلال‌هایی متکی بر علل درون دینی

منابع و مفاهیم دینی بخش مهمی از استدلال‌های جامعه‌ی مذهبی را شامل می‌شده است. این نوع تفسیرها و نگاه‌ها بیش‌تر متاثر از اعتقادات و مبانی ذهنی در آن دوره‌ی زمانی بوده است. به نظر می‌رسد متفکران این دوره اعتقاد خود بر منع اشتغال زنان را غیر قابل خدشه می‌دانستند و تنها در مقام استناددهی به آیات و روایات استناد می‌کردند.

یکی از استدلال‌ها بر عدم اشتغال زنان، صدق مفهوم ظلم بر آن است. اشتغال زنان عموما به‌معنای وظیفه و مسؤولیت نداشتن در خانه نیست به همین جهت، زن در صورت اشتغال باید هر دو وظیفه و مسؤولیت را انجام دهد. شیخ محمد خالصی‌زاده (درگذشت: ۱۳۴۲ ش) عالم و نویسنده‌ی معروف در زمان خود این دلیل را چنین تقریر می‌کند؛ که تکلیف زن برای کار کردن و تحصیل نفقه، هم‌زمان با شغل خانه‌داری و مشقت‌های منزل، ظلمی است، که کسانی که زن را زنده به گور می‌کرده و یا بعد از مرگ شوهر، او را به آتش می‌سوزاندند، با زن روا نمی‌دارند (خالصی‌زاده، پیشین، ج۲: ۷۰۱). همین نویسنده در جای دیگری از کتاب خود می‌گوید: «متجدّدان زن را به هر کاری وادار می‌کنند و بار سنگین نفقه را بر دوش او می‌گذارند، علاوه بر باری که در شکم اوست و بزرگ‌ترین ظلم را به‌نام آزادی به زن وارد می‌کنند» (همان).

۱.۳.۲. استناد به آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی احزاب

یکی دیگر از استدلال‌های مبتنی بر منابع دینی که از مهم‌ترین آن‌ها نیز است، ابتدای آیه‌ی ۳۳ احزاب است. آیت‌الله سید عبدالله بلادی بوشهری (درگذشت: ۱۳۳۱ ش)، برای مخالفت با حضور اجتماعی زنان و لزوم حضور زنان در خانه به آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی احزاب استناد می‌کند: «وَ قَرْنَ فی بُیوتِکُنَّ وَ لا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجاهِلِیةِ الْأُولی»؛ و در خانه‌های خود بمانید و چنان‌که در زمان پیشین جاهلیت می‌کردند، زینت‌های خود را آشکار مکنید. وی معتقد است: در این سوره، ابتدا زنان را از سخن گفتن با نامحرمان منع می‌کند و سپس دستور می‌دهد که در خانه‌های خود بنشینند و مانند زمان جاهلیت که زنان بدون حجاب با مردان «مخالطت، مجالست و مکالمت» داشته‌اند، نباشند. نویسنده می‌پذیرد که خطاب آیه به همسران پیامبر مکرم اسلام است که به منزله‌ی امّهات مومنان هستند؛ اما او معتقد است: امهات مومنان از لحاظ حرمت ازدواج با دیگر زنان، متفاوت هستند؛ اما در سایر احکام مانند حکمی که در این آیه گفته شده است، تفاوتی میان زنان پیامبر با دیگر زنان نیست (بلادی، پیشین، ج۱: ۹۲).

محمد صادق ارومی معروف به فخر الاسلام (درگذشت: ۱۲۹۱ ش) در ابتدا مسیحی بود و سپس به اسلام گروید. وی آثار بسیاری در رد مسیحیت نوشت و در حد خود شهرت فراوانی پیدا

کرد. او کتابی در وجوب حجاب به سال ۱۲۹۰ ش، تالیف کرد. وی پس از آن‌که مطلوب را «حجاب و نقاب و سکونت در خانه» دانسته «نه زینت و کشف و مخالطه با مرد» سپس به آیه‌ی «وَ قَرْنَ فِی بُیوتِکُنَّ» استناد کرده و می‌گوید: «زن نباید از خانه بیرون برود، مگر به اقتضای ضرورت» او این مطلب را موافق قرآن و انجیل می‌داند (ارومی، پیشین: ۶۹)

زینب بیگم شیرازی در جوابیه‌ی مقاله‌ی ضالّهٔ طالبان رفع حجاب که در سال‌های ابتدایی حکومت پهلوی اول نوشته شده است، این آیه «وَ قَرْنَ فِی بُیوتِکُنَّ»» را تاکید احتجاب دانسته تا زنان از خانه خارج نشوند، مگر در موقع ضرورت واجبه، آن هم مشروط به عدم تبرّج به زینت (شیرازی، ۱۴۲۸، ج۱: ۲۳۷). از نکات جالب این استدلال این است، که توسط یک زن نوشته شده و به‌صورت عمومی چاپ گردیده است.

۲.۳.۲ استناد به روایات

روایات متعددی در نکوهش حضور زن در بیرون از خانه، مورد استناد قرار گرفته است. مخالفان عموما در استفاده از این روایات نگاهی کاملا متن‌گرا داشته و بر اساس ظاهر این روایات استدلال کرده‌اند. زینب بیگم شیرازی در کتاب خود به روایتی استناد کرده است، که زنان را ناموس دانسته و توصیه کرده که ناموس‌ها را در خانه حبس کنند (کوفی، ۲۰۱۳، ۹۴). زینب بیگم این روایات را شاهد بر مطلوبیت شدت احتجاب در نزد خداوند دانسته است (شیرازی، پیشین: ۲۳۹).

در رساله‌ای که توسط «چند نفر از مسلمانان مشروطه‌خواه» نوشته شده است، چنین آمده که بر امر به خانه‌نشینی، اخبار به خصوص رسیده است. نویسندگان سپس به تعدادی از روایات اشاره می‌کنند (جمعی از محققان، پیشین، ج۱: ۱۱۹). اینان به روایتی از امام صادق(ع) استناد کرده‌اند، که امام فرمود: زنان ناتوان از سخن شایسته و ناموس هستند. پس ناموس‌ها را با نشاندن در خانه‌ها و ناتوانی از سخن شایسته را با سکوت بپوشانید (صدوق، ۱۴۱۳، ج۳: ۳۹۰). هم‌چنین به روایت دیگری استناد کرده‌اند که از امیر مومنان امام علی(ع) نقل شده که در خطاب به مردم می‌گوید: آیا شرم نمی‌کنید و به غیرت نمی‌آیید که زنان تان راهی بازارها و مغازه‌ها می‌شوند و با افراد بی‌دین برخورد می‌کنند؟! (کلینی، ۱۴۰۷، ج۵: ۵۳۷).

بحث و نتیجه‌گیری

گونه‌شناسی ادله‌ی جریان‌های شیعه پس از مشروطه تا پایان پهلوی اول بر منع حضور اجتماعی و اشتغال زنان را می‌توان در سه بخش قرار داد. بخش اول که پیوند مهمی با وقایع سیاسی آن دوران دارد مشکلاتی است، که پیوندهایی با برخی امور دینی خاص داشته و در آن زمان مورد مخالفت حکومت قرار گرفته بود. در دوره‌ی پهلوی اول عملا امکان اشتغال زنان با حجاب متعارف آن زمان بسیار سخت بود. اشتغال زنان در آن برهه‌ی زمانی درهم‌تنیدگی بسیاری با بی‌حجابی داشت و کم‌تر تصوری نسبت به اشتغال زنان در آن برهه‌ی زمانی با حفظ شئونات اسلامی به دست می‌آمد. به همین علت جامعه‌ی مذهبی ناچار بود برای حفظ مبانی خود با اشتغال زنان مخالفت کند. بنابراین، مخالفت با اشتغال زنان توسط گروه‌های مذهبی را نباید به رویکردهای ضد زنانه و نگاه سیاه در جامعه‌ی مذهبی تعریف کرد. این نوع عکس‌العمل‌ها از یک‌سو برگشت به مبانی دینی مانند حجاب می‌کرد و از سوی دیگر، واکنشی به رفتارهای ضد دینی حکومت بود. به نظر می‌رسد ادعای حضور اجتماعی و اشتغال زنان توسط پهلوی اول و هم‌فکران شان هدف اصلی نبوده و اهداف بالاتری را دنبال می‌کرد. اصرار بر حضور اجتماعی و اشتغال زنان بیش‌تر برای رفع حجاب شرعی بوده است. در مقابل جامعه‌ی مذهبی نیز، تقریبا هیچ راهی برای اشتغال زنان با حفظ واجبات اسلامی مانند حجاب نداشت و به همین خاطر با حضور اجتماعی و اشتغال آنان مخالفت می‌کرد.

گونه‌ی دوم استدلال بر اساس منابع و مبانی برون دینی است. در این دوره تلاش می‌شد، به دلیل تغییرات اجتماعی گسترده‌ای که به دست آمده بود، استدلال‌ها بر رویکردهای عقلی مبتنی باشد. در این بخش بیش‌تر طبیعت زن و ضعف جسمانی وی مورد استناد قرار گرفته است. در این‌گونه از استدلال تلاش می‌شد به مخاطب نشان داده شود، که طبیعت و خلقت زن مناسب فعالیت‌های خارج از خانه نیست. هم‌چنین نیازهای درون خانه و خانواده از جمله فرزندآوری و پرورش و تربیت فرزند با طبیعت زن سازگاری دارد. به همین دلیل زن باید داخل خانه بماند. این تفکر که میان قشرهای مختلف مردم بوده، میان جامعه‌ی مذهبی نیز، رواج داشته است.

با بررسی این نوع استدلال‌ها، می‌توان اذعان داشت که رویکرد طبیعت‌گرایانه بر منع اشتغال زنان در جامعه‌ی مذهبی از استدلال‌های جدیدی بوده که به بلوغ کافی نرسیده بود و حتی در مواقعی توان ایجاد رضایت در طرف مقابل را نداشت. برخی از این استدلال‌ها در برخی مخاطبان تاثیر منفی ایجاد می‌کرد. به بیان دیگر، می‌توان اذعان داشت؛ که طرف‌داران این تفکر در زمین مخالفان خود به مبارزه پرداختند. در حالی که به اقتضائات، قواعد و چارچوب‌های آن آگاهی نداشتند؛ اما دیدگاه آسیب زدن اشتغال زنان به خانواده و لزوم جمع میان آن‌ها تقریبا در همه‌ی

دوران‌ها وجود دارد، که البته نوع جمع کردن میان آن‌ها در دوران‌های مختلف متفاوت بوده است. در اواخر قاجار و دوره‌ی پهلوی اول، این مشکل با رد و عدم پذیرش اشتغال زنان بر آورده شده است؛ اما این رویکرد در دوره‌های بعدی به‌خصوص پس از انقلاب اسلامی ایران تغییر یافت و تلاش شد با امتیازاتی به زنان میان اشتغال و انجام امورات خانه جمع صورت گیرد.

گونه‌ی سوم استدلال بر منع حضور اجتماعی و اشتغال زنان استناد به مبانی و اعتقادات دینی بوده است. از جمله مهم‌ترین استدلال‌ها در این بخش استناد به ابتدای آیه‌ی ۳۳ سوره احزاب است. در این بخش از آیه خطاب به زنان پیامبر می‌گوید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُن»؛ و در خانه‌های خود بمانید! عده‌ای این حکم را مختص به زنان پیامبر ندانسته و معتقدند: این حکم شامل همه‌ی زنان می‌شود. هم‌چنین روایاتی دیگر نیز، در این موضوع مورد استناد قرار گرفته است.

این نوع تفسیرها و نگاه‌ها بیش‌تر متاثر از اعتقادات و مبانی ذهنی در آن دوره‌ی زمانی بوده است. به نظر می‌رسد متفکران این دوره اعتقاد خود بر منع اشتغال زنان را غیر قابل خدشه می‌دانستند و تنها در مقام استناددهی به آیات و روایات استناد می‌کردند؛ اما گذر زمان نشان داد عالمان و مفسران تقریبا از این نوع تفسیر بر آیه دست کشیده و روایات را نیز به‌معانی دیگر حمل کردند به نوعی که پس از انقلاب اسلامی ایران در برخی دوره‌ها به اشتغال زنان تاکید شد و حکومت تلاش کرد شرایط را برای حضور اجتماعی و اشتغال زنان فراهم آورد.

فهرست منابع

۱.اورومی فخر الاسلام، محمد صادق (۱۴۲۸ق)، رساله‌ی وجوب حجاب، رسائل حجابیه، به‌کوشش رسول جعفریان، قم، انتشارات دلیل ما، چاپ اول.

۲.اصفهانی حائری، غلام‌حسین (۱۴۲۸ق)، کتاب فلسفة الحجاب فی وجوب النقاب، ترجمه‌ی محمد رضا تهرانی، رسائل حجابیه، به‌کوشش رسول جعفریان، قم، انتشارات دلیل ما.

۳.بلادی بوشهری، عبدالله (۱۴۲۸ق)، سدول الجلباب فی وجوب الحجاب، در رسائل حجابیه، به‌کوشش رسول جعفریان، قم، انتشارات دلیل ما.

۴.پهلوی، محمد رضا (۱۳۳۹ ش)، ماموریت من برای وطنم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول.

۵.جعفریان، رسول (۱۳۸۳ ش)، داستان حجاب در ایران پیش از انقلاب، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.

۶._____ (۱۴۲۸ ق)، رسائل حجابیه، قم، انتشارات دلیل ما، چاپ اول.

۷.جمعی از محققان (۱۴۲۸ ق)، رسائل حجابیه؛ شصت سال تلاش علمی در برابر بدعت کشف حجاب، به‌کوشش رسول جعفریان، قم، انتشارات دلیل ما، چاپ اول.

۸.حکمت، علی اصغر (۲۵۳۵)، سی خاطره از عصر فرخنده پهلوی، تهران، شرکت چاپ پارس، چاپ اول.

۹.خالصی‌زاده، محمد (۱۴۲۸ ق)، حقیقت حجاب در اسلام، رسائل حجابیه، به‌کوشش رسول جعفریان، قم، انتشارات دلیل ما، چاپ اول.

۱۰. خرقانی، اسدالله (۱۴۲۸ ق)، رساله‌ی ردّ کشف حجاب، رسائل حجابیه، به‌کوشش رسول جعفریان، قم، انتشارات دلیل ما، چاپ اول.

۱۱. زائری، قاسم (۱۳۹۳)، «دیرینه شناسی بی‌حجابی در ایران»، فصل‌نامه‌ی زن در توسعه و سیاست، دوره‌ی ۱۲، شماره‌ی ۲، صص ۱۸۶ - ۱۵۳.

۱۲. زیبایی‌نژاد، اشتغال زنان عوامل، پیامدها و رویکردها، در کتاب اشتغال زنان، به کوشش لیلا سادات زعفرانچی، مرکز امور زنان و خانواده، ۱۳۸۸ ش.

۱۳. سبحانی، محمد تقی، الگوی جامع شخصیت زن مسلمان (تعاریف و ساختار)، پژوهشکده زن و خانواده، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.

۱۴. شاهرودی، احمد (۱۴۲۸ ق). مدینة الاسلام روح التمدن، رسائل حجابیه، به‌کوشش رسول جعفریان، قم، انتشارات دلیل ما، چاپ اول.

۱۵. شیرازی، زینب بیگم (۱۴۲۸ ق)، جوابیه‌ی مقاله‌ی ضالّه‌ی طالبین رفع حجاب، رسائل

حجابیه، به‌کوشش رسول جعفریان، قم، انتشارات دلیل ما، چاپ اول.
۱۶. صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲)، الخصال، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
۱۷. _____ (۱۴۱۳ ق)، من لا یحضره الفقیه، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
۱۸. صلاح، مهدی (۱۳۸۴)، کشف حجاب (زمینه‌ها، پیام‌ها و واکنش‌ها)، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ اول.
۱۹. صنعتی، مهدخت، نجم آبادی، افسانه، سلامی، غلامرضا (۱۳۹۵ ش)، حیات صدیقه، نامه‌ها، نوشته‌ها و یادها، تهران، نشر شیرازه، چاپ اول.
۲۰. فقیه شیرازی، محسن (۱۴۲۸ ق)، هفت رساله در دفاع از حجاب در نشریه‌ی الاسلام، رسائل حجابیه، به‌کوشش رسول جعفریان، قم، انتشارات دلیل ما.
۲۱. کسروی، احمد (۱۳۲۳ ش)، خواهران و دختران ما، تهران، انتشارات پیمان، چاپ اول.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، الکافی، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ اول.
۲۳. کوفی، محمد بن محمد اشعث (۱۴۳۴ ق/ ۲۰۱۳ م)، الجعفریات (الأشعثیات)، کربلا، مطبعه العتبة الحسینیة المقدسه، چاپ اول.
۲۴. لاری، علی اصغر (۱۴۲۸ ق)، حجاب و پرده‌داری، در رسائل حجابیه، به‌کوشش رسول جعفریان، قم، انتشارات دلیل ما، چاپ اول.
۲۵. محلاتی، محمد جعفر، شریعتمداری، شایسته (۱۳۹۹ ش)، زهرا، ماه منیر و مهرماه خاطرات دختران یک مرجع دینی، تهران، انتشارات کویر، چاپ اول.
۲۶. مغیثی، هایده (۱۳۹۸)، زنان و انقلاب ۱۳۵۷ تجربه‌ی اتحاد ملی زنان، زاگرس، بی‌جا.
۲۷. مهریزی، مهدی (۱۳۹۴)، نواندیشی دینی و مساله زن، تهران، نشر موسسه فرهنگی دین پژوهی بشری، چاپ اول.
۲۸. میلانی، امیر مهاجر (۱۴۰۱)، تحلیل تاریخی نواندیشی فقهی در حوزه جنسیت، پژوهشکده زن و خانواده، چاپ اول.
۲۹. هدایت، مهدی قلی (۱۳۲۹)، خاطرات و خطرات، تهران، چاپخانه‌ی نگین، چاپ اول.
۳۰. یعقوبی، ابوالقاسم (۱۳۷۹)، «خودسازی، نخستین گام اصلاحات»، مجله حوزه، شماره‌ی ۱۰۱ و ۱۰۲، صص ۵۱ - ۱۸.